

نقش رهبری در نظام سیاسی پارلمانی با توجه به اقتضائات حقوق اساسی ایران

محمدجواد ارسطو^{۱*}، حسین قاسمی^{۲**}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: 10.22034/qjplk.2022.1375.1321

چکیده

سال‌های اخیر ایران شاهد معضلاتی مانند تعارض بین دولت و مجلس، اختلاف میان رهبر و رئیس‌جمهور و... بوده است. برخی صاحب‌نظران معتقدند در صورتی که رژیم سیاسی به پارلمانی تغییر کند، بسیاری از این معضلات حل خواهد شد. این پژوهش که به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است، در پی پاسخگویی به این پرسش است که نقش رهبری در رژیم پارلمانی همراه با اقتضائات این رژیم در حقوق اساسی ایران چیست؟ به نظر می‌رسد رژیم پارلمانی فوایدی مثل سیستم مطلوب‌تر جهت اجرای کامل اختیارات ولی‌فقیه را خواهد داشت. اما اجرای رژیم پارلمانی در عین حال با مشکلاتی مثل تضعیف حس مشارکت مردم در اداره حکومت مواجه است. در نتیجه اگرچه ممکن است رژیم پارلمانی به لحاظ نظری با جایگاه ولایت فقیه هماهنگ‌تر به نظر برسد، اما برای اجرای آن در کشور ابتدا باید لوازم ضروری آن ایجاد شود، در غیر این صورت تغییر رژیم به پارلمانی نه تنها مفید نخواهد بود، بلکه ممکن است ضررهای بیشتری را پدید آورد.

واژگان کلیدی: رهبر، رژیم پارلمانی، رژیم نیمه‌ریاستی، نظام سیاسی پارلمانی، ولایت فقیه.

۱. دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران

* Email: mjarasta@ut.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران (نویسنده مسئول)

** Email: hossein.ghasemi@ut.ac.ir



مقدمه

در سال‌های اخیر بسیاری اوقات شاهد معضلاتی از جمله عدم تمکین دولت از مجلس در اجرای قوانین یا اختلاف بین رهبر و رئیس‌جمهور در مسائل کلان نظام یا ... بوده‌ایم که سبب می‌شود ایده استقرار رژیم پارلمانی در فضای سیاسی مطرح شود. در پژوهش حاضر ضمن بررسی نقش رهبری در رژیم پارلمانی، به اقتضانات اجرای این رژیم در کشور پرداخته می‌شود. از آنجا که رکن اساسی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی، ولایت فقیه است، مسئله اصلی در این پژوهش کشف نقش رهبر در رژیم پارلمانی است، چراکه در پی پاسخ این مسئله، ظرفیت‌های رژیم پارلمانی جهت اعمال ولایت ولی فقیه روشن می‌شود. در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی ساختار رژیم سیاسی در قانون اساسی به رژیم پارلمانی شباهت زیادی داشت، اما این ساختار معضلاتی را در کشور به وجود آورد که مسئولان عالی نظام را به فکر تبدیل آن رژیم سیاسی به رژیم نیمه ریاستی انداخت. در این پژوهش بررسی می‌شود عامل اصلی ایجاد معضلات رژیم پارلمانی در ابتدای انقلاب چه بود؟ در صورتی که رژیم پارلمانی مستقر شود، همان معضلات به وقوع خواهد پیوست؟

اهمیت این پژوهش از آن حیث است که روشن شود آیا با استقرار رژیم پارلمانی آن‌گونه که بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند، معضلات فعلی نظام حل خواهد شد یا آن‌ها را پیچیده‌تر می‌سازد. هدف علمی از پژوهش بررسی بهترین ساختار در جهت اعمال ولایت ولی فقیه از بین مدل اجرایی جمهوری اسلامی با مدل پارلمانی و همچنین روشن شدن این مطلب است که نظام پارلمانی با مبانی ولایت مطلقه فقیه به چه صورتی قابل اجرا خواهد بود. پژوهش‌های مرتبط انجام گرفته در این موضوع اغلب در خصوص الگوها و راهکارهای استقرار رژیم پارلمانی در نظام به محاسن و معایب استقرار این رژیم در جمهوری اسلامی پرداخته‌اند. حال آنکه پژوهش حاضر به تفصیل به جایگاه و اختیارات رهبر در رژیم پارلمانی پرداخته است.

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و مطالب با استفاده از روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

در بخش اول به اختیارات رهبر در رژیم پارلمانی و در بخش دوم به اقتضائات حقوق اساسی رژیم پارلمانی در نظام جمهوری اسلامی پرداخته شده است.

۱. وظایف و اختیارات رهبری در رژیم پارلمانی

مدل حکومت ولایی شیعیان، قابل انطباق کامل با نظام‌های مرسوم دنیا نیست، یعنی الگوی خاصی است. از این رو نظام مبتنی بر ولایت فقیه هم مشخصات خود را دارد (رستکی و بابایی مهر، ۱۳۹۸: ۵۶۱)، از این رو مقصود از اصطلاح «رژیم پارلمانی» در این پژوهش همان «رژیم شبه پارلمانی» است. همچنین در انتخاب چگونگی تفکیک قوا متناسب با مقتضیات کشور «مختار خواهیم بود که این کار را با نرمش و طبق دلخواه انجام دهیم و دستگاه‌های سه‌گانه نیز به نوبه خود خواهند توانست در روالی سازگار با مقتضیات جامعه، با یکدیگر همکاری کنند» (قاضی، ۱۳۸۲: ۳۴۰).

بر اساس اندیشه ولایت مطلقه فقیه بنیانگذار جمهوری اسلامی که ساختار و شیوه حاکمیت نظام بر مبنای آن سازمان یافته است، همچنین با توجه به پذیرش حاکمیت الهی-مردمی و تأکید در قانون اساسی و در کلام بزرگان نظام، درمی‌یابیم که تبلور پذیرش حاکمیت الهی در این نظام، در شخص ولی فقیه متجلی است.

از منظر مذکور مشروعیت نظام و تمام قوای آن منوط به تأیید رهبر است (شعبانی، ۱۳۷۳: ۱۴۱). از این رو نه تنها حذف این جایگاه در نظام جمهوری اسلامی حتی با تغییر در قانون اساسی امکان‌پذیر نیست، بلکه الزاماً بقیه قوا نیز باید تحت نظر و حاکمیت رهبر اعمال وظیفه کنند (اصول ۱۷۷ و ۵۷ قانون اساسی).

باید اذعان داشت جایگاه رهبری در نظام جمهوری اسلامی با اجرای هر رژیمی از رژیم‌های سه‌گانه (ریاستی، پارلمانی و نیمه‌ریاستی نیمه‌پارلمانی) جایگاه ریاست کشور است. از این رو تفاوت حاصل از تغییر رژیم سیاسی پیرامون ولی فقیه صرفاً به محدوده اختیارات ایشان به منظور اعمال نقش ریاست کشور مربوط خواهد بود.

حال باید بررسی کرد اگر شکل اجرایی حکومت از نظام نیمه‌ریاستی (شیوه فعلی) به پارلمانی تغییر یابد، چه تفاوت‌هایی در اختیارات قانونی رهبر، بر مبنای ولایت مطلقه فقیه شکل خواهد گرفت. شایان ذکر است به منظور جلوگیری از وقوع تکرار مکررات از ذکر اختیاراتی که با تغییر رژیم سیاسی بی‌تغییر می‌ماند، خودداری می‌شود.

۱-۱. اختیارات در قوه قضاییه

مطابق فقه شیعه، الزاماً یک فقیه جامع‌الشرایط باید متصدی امر قضا باشد، اما برای اینکه در یک کشور اقامه نظم و عدالت در مورد همه به صورت نظام‌مند و مساوی رعایت شود، باید دستگاه قضایی تحت مدیریت کلان حاکم بر کشور باشد، زیرا در صورتی که فقیه دیگری (غیر از رهبر) بر دستگاه قضایی ولایت داشته باشد، چون اختلاف نظر میان این دو فقیه بسیار محتمل است، در نتیجه هماهنگی و نظم لازم میان قوه قضاییه و قوای دیگر تأمین نخواهد شد. همچنین تغییر در مدل اجرایی حکومت اسلامی (به پارلمانی یا ریاستی) موجب تغییر در این مقوله نخواهد شد. از این رو بنیانگذار جمهوری اسلامی در خصوص متصدی منصب قضاوت، تصریح می‌دارد: «فقیه وصی رسول اکرم (ص) است و در عصر غیبت، امام‌المسلمین و رئیس‌الملة می‌باشد، و او باید قاضی باشد، و جز او کسی حق قضاوت و دادرسی ندارد» (خمینی موسوی، ۱۳۹۷: ۸۲-۸۳).

با توجه به مطالب مذکور و نظریه ولایت مطلقه فقیه، رئیس قوه قضاییه که منصوب از جانب رهبر است، از طرف ایشان تصدی این مسئولیت را بر عهده دارد. شایان ذکر است در بیشتر کشورها، چه کشورهای دارای نظام ریاستی و چه پارلمانی نیز اختیار گزینش و نصب مقامات عالی قضایی بر عهده ریاست کشور است. برای مثال طبق قانون اساسی آمریکا (نماد رژیم ریاستی)، قضات دیوان عالی فدرال توسط رئیس‌جمهور منصوب می‌شوند (قاضی، ۱۳۸۲: ۶۰۳) یا در انگلستان (نماد رژیم پارلمانی)، رئیس قوه قضاییه کشور در عین حال رئیس مجلس لردها نیز است، همچنین سایر لردهای قاضی که کمیته قضایی مجلس مذکور، یعنی عالی‌ترین مرجع قضایی کشور را تشکیل می‌دهند، با صلاحدید نخست‌وزیر توسط پادشاه انگلستان منصوب می‌شوند. در ضمن حق عفو مجرمان به پادشاه تعلق دارد (هریسی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۶۳).

هرچند به نظر می‌رسد با تغییر رژیم سیاسی در نقش رهبر در قوه قضاییه تغییری رخ ندهد، اما می‌توان به منظور افزایش کارآمدی و مشارکت مردم در این قوه یک راهکار پیشنهاد داد؛ معرفی چند نامزد واجد صلاحیت منصب قضا از طرف ولی فقیه و انتخاب یکی از نامزدها توسط مردم به عنوان ریاست قوه قضاییه برای مدت زمان مشخص. در میان فقهای حاضر نیز، حضرت آیت‌الله سید علی سیستانی، ملاک گزینش قضات را رضایت عمومی مردم می‌داند و به عقیده ایشان گزینش قضات، باید توسط آرای عمومی مردم صورت پذیرد (سیستانی، ۱۳۹۴:

۷۰-۷۱). البته باید توجه داشت که مطابق اندیشه ولایت مطلقه فقیه حتی در صورت انتخاب رئیس قوه قضاییه از جانب مردم، همچنان رهبری در قوه قضاییه صلاحیت تام دارد و بر این قوه اعمال ولایت خواهد کرد.

۱-۲. اختیارات در قوه مجریه

۱-۲-۱. ریاست کشور، نصب یا گزینش، عزل یا قبول استعفای نخست‌وزیر

انحصار تعیین نخست‌وزیر در بیشتر کشورها بر عهده رئیس مملکت قرار گرفته است، چراکه اگر نخست‌وزیر، در رژیم‌های پارلمانی، باید از اعتماد اکثریت پارلمان برخوردار باشد، در عین حال باید اعتماد رئیس کشور را نیز داشته باشد تا اصل هماهنگی و سلسله‌مراتب اجرایی مراعات شود. شیوه انتخاب نخست‌وزیر در کشورهای دارای رژیم پارلمانی متفاوت است، برای مثال در انگلیس تعیین نخست‌وزیر از امتیازهای ملکه است. در هر انتخابات پارلمانی یکی از دو حزب محافظه‌کار یا کارگر (نظام دوحزبی) برنده اکثریت مجلس عوام می‌شوند و ملکه نیز باید یک نفر را از میان حزب پیروز انتخاب کند. درحالی‌که در قانون اساسی بلژیک، مقرر می‌دارد که پادشاه وزرا را تعیین و عزل می‌کند که این عبارت ظاهراً مسئله عزل و نصب نخست‌وزیر را از اختیارات انحصاری پادشاه قرار داده است (قاضی، ۱۳۸۲: ۳۵۷ و ۵۸۶-۵۸۵).

اما مطابق اصل ۸ قانون اساسی فرانسه: «رئیس‌جمهور نخست‌وزیر را تعیین می‌کند و قبول استعفای نخست‌وزیر نیز بر عهده رئیس‌جمهور است. رئیس‌جمهور پس از قبول استعفای نخست‌وزیر، وزرا را عزل می‌نماید». البته طبق اصل ۴۹ قانون اساسی فرانسه؛ رئیس‌جمهور باید کسی را برای تصدی نخست‌وزیری به مجلس معرفی نماید که وی بتواند رأی اعتماد مجلس ملی را جلب کند.

همچنین در صورت تبدیل ساختار جمهوری اسلامی ایران به پارلمانی، با توجه به نظریه ولایت مطلقه فقیه و مبانی فکری جمهوری اسلامی، ولی فقیه همچون نظام فعلی رئیس کشور باقی می‌ماند البته این در حالی است که برخلاف کشورهای پارلمانی که رئیس کشور از مسئولیت مبرا است؛ برای مثال در بریتانیا، ملکه نه مسئولیت سیاسی دارد و نه مسئولیت جزایی یا در رژیم‌های جمهوری اصل بر عدم مسئولیت سیاسی رئیس کشور است (قاضی، ۱۳۹۶: ۲۴۹)، در جمهوری اسلامی، رئیس کشور مطابق قانون اساسی: «در

برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است» بر این اساس رهبری همچون مردم دارای مسئولیت کیفری و مدنی است افزون بر آن دارای مسئولیت سیاسی و مسئولیت مالی نیز است. البته در تبیین رابطه جمهوری اسلامی ایران با بقیه کشورهای که دارای منصب ریاست کشور هستند؛ هرچند ولی فقیه مسئولیت سیاسی دارد اما نه در مقابل هیچ‌یک از قوای سه‌گانه بلکه در مقابل مجلس خبرگان رهبری که وظیفه نصب و عزل ایشان را دارد (اصول ۱۰۷ و ۱۱۱ قانون اساسی) پس در صورت ناتوانی از انجام وظایف قانونی یا از دست دادن شرایط رهبری، مسئله مسئولیت سیاسی ایشان در مقابل این مجلس مطرح می‌شود. ولی فقیه علاوه بر مسئولیت سیاسی، مطابق اصول ۱۰۷ و ۱۴۲ قانون اساسی مسئولیت جزایی و مالی هم دارد.

اما در مورد گزینش یا نصب نخست‌وزیر همان‌طور که در مهم‌ترین کشورهای پارلمانی نیز اشاره شد؛ این مهم بر عهده رئیس کشور است، پس تعیین، نصب یا گزینش نخست‌وزیر بر عهده ولی فقیه می‌تواند باشد، اما در مورد شیوه تعیین از نظر نگارندگان بهترین شیوه اجرا این است که ولی فقیه با توجه به شرایط سیاسی، اقتصادی و... کشور و همچنین با توجه به گرایش‌های سیاسی مجلس، از میان رجال سیاسی که واجد شرایط نخست‌وزیری باشند، پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام شخصی را شناسایی و به مجلس شورای اسلامی معرفی نموده تا مجلس مطابق نظر اکثریت نمایندگان به وی رأی اعتماد دهد و پس از انتخاب مجلس، رهبری فرد منتخب مجلس را به سمت نخست‌وزیری منصوب کنند. در صورتی که نامزد نخست‌وزیری از مجلس رأی اعتماد نگرفت، رهبری مجدداً پس از مشورت با مجمع شخص دیگری که نظر مجلس را جلب کند معرفی می‌کند.

در مورد عزل نخست‌وزیر توسط رهبری نیز از سه طریق ممکن به نظر می‌رسد:

- الف) عزل نخست‌وزیر در هنگام نظر رهبر مبنی بر ناتوانی وی از اجرای وظایف قانونی
 - ب) عزل نخست‌وزیر پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی
 - ج) عزل نخست‌وزیر پس از رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت سیاسی وی
- همچنین در مورد استعفای نخست‌وزیر نیز همان‌طور که در برخی کشورهای پارلمانی مرسوم است، بهترین شیوه اجرایی، تقدیم استعفا به رئیس کشور است و نخست‌وزیر تا زمانی که رهبری با استعفایش موافقت نکرده است، موظف است به کار خود ادامه دهد.

۲-۲-۱. نصب و عزل وزیران

به نظر می‌رسد با توجه به روش انتخاب وزرا در برخی کشورهای دارنده رژیم پارلمانی، همچون انگلستان که نخست‌وزیر، وزیران را برمی‌گزیند و ملکه با یک عمل حقوقی آنان را به این مقامات منصوب می‌کند (قاضی، ۱۳۸۲: ۵۸۶) و همچنین در کشور فرانسه نیز وزرا توسط رئیس کشور عزل می‌شوند (اصل ۸ قانون اساسی فرانسه) بهترین شیوه برای تعیین وزرا در رژیم پارلمانی، گزینش افراد موردنظر جهت تصدی وزارتخانه توسط نخست‌وزیر و معرفی نامزد وزارتخانه پس از مشورت با رهبری به مجلس و در صورت کسب رأی اعتماد، نصب نامزد وزارتخانه توسط نخست‌وزیر است.

در مورد عزل وزرا؛ پیشنهاد عزل توسط نخست‌وزیر به رهبری و پس از تأیید رهبر، عزل وزیر توسط نخست‌وزیر شیوه مطلوب به نظر می‌رسد، البته این روش در غیر صورتی است که وزیر مزبور توسط مجلس استیضاح شده و توانایی کسب رأی اعتماد را نداشته باشد.

۳-۲-۱. نصب ریاست موقت کابینه در مواقع اضطراری تا زمان تعیین نخست‌وزیر جدید

از آنجا که پست نخست‌وزیری از مناصب حساس حکومتی است لذا در مواقع اضطراری همچون عزل، استعفا و فوت یا بیماری طولانی مدت نخست‌وزیر تا زمان تعیین نخست‌وزیر جدید نمی‌توان حتی برای مدت کوتاهی این منصب را خالی از مسئول رها کرد؛ از این رو ضروری است که تا طی شدن فرآیند تعیین نخست‌وزیر، یک نفر برای ریاست موقت کابینه معین شود و از آنجا که نصب نخست‌وزیر به دلایلی که ذکر شد بر عهده رهبری است و نیز هیچ منصبی مانند ولی‌فقیه به شرایط و مصالح کشور احاطه ندارد به نظر می‌رسد مقام صالح در تعیین ریاست موقت کابینه، رهبر باشد.

در خصوص اختیارات در قوه مجریه باید گفت که در رژیم پارلمانی با توجه به اینکه مردم قدرت را به مجلس منتقل می‌کنند و از طریق مجلس همراه با انتصاب رهبر، قدرت به نخست‌وزیر منتقل می‌شود، در نتیجه در شیوه پارلمانی زمینه برای اعمال مستقیم قدرت در قوه مجریه توسط رهبری فراهم می‌شود، زیرا در رژیم پارلمانی نخست‌وزیر نه تنها به دلیل انتخاب با واسطه (از طرف نمایندگان ملت)، دارای مقبولیت مردمی است، بلکه در اصل تبدیل به

کارگزار ولی فقیه و پارلمان نیز می‌شود برخلاف رژیم نیمه‌ریاستی، زیرا در رژیم نیمه‌ریاستی، رئیس‌جمهور مستقیماً از مردم کسب رأی و مقبولیت می‌کند، بنابراین کارگزار پارلمان یا کارگزار ولی فقیه محسوب نمی‌شود.

۳-۱. اختیارات در قوه مقننه

۳-۱-۱. تقدیم «لایحه قانونی توسط دولت» یا «پیام سالانه» به مجلس

یکی از وظایف رهبری براساس قانون اساسی تعیین سیاست‌های کلی نظام است که طبعاً این سیاست‌ها مربوط به هر سه قوه است، اما در مدل اجرایی فعلی کشور (نیمه‌ریاستی) در نظام قانونگذاری کشور پیرامون این امر جهت دستیابی رهبر به نتایج این اختیار ضمانت اجرایی محکمی در نظر گرفته نشده است. البته شاید گمان شود که رهبری این اختیار را از طریق شورای نگهبان به منصفه ظهور می‌رساند، اما در جواب باید متذکر شد در هر حال شورای نگهبان به‌طور مستقل حق قانونگذاری ندارد، بلکه مهم‌ترین وظایف آن تطبیق مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی و همچنین تفسیر قانون اساسی است (شعبانی، ۱۳۷۳: ۱۵۶). این شورا وظیفه ندارد که مصلحت فرد یا جمع یا هر دو را بسنجد یا وضع اجتماع را بررسی کند و متناسب با آن به وضع قانون پردازد چراکه این مصلحت‌اندیشی و تشخیص صلاح و ناصلاح، در واقع کار سیاسی است (مدنی، ۱۳۶۶، ج ۳: ۱۵-۱۶).

پس کارکرد شورای نگهبان در نظام فعلی بیشتر شبیه به کارکرد یک فیلتر است که مواظب باشد مصوبات مجلس برخلاف شرع و قانون اساسی نباشند، اما رهبری که از طریق این نهاد در حوزه قانونگذاری اعمال اختیار می‌کند، حق ابتکاری در قانونگذاری را ندارد که بتواند کاملاً به سیاست‌های کلی نظام در حوزه تقنین جامه عمل بپوشاند، چراکه کارکرد شورای نگهبان در زمینه قانونگذاری بیشتر جنبه سلبی داشته تا اینکه ایجابی باشد.

اما در صورتی که رهبر بتواند اختیارات ابتکاری در حوزه قانونگذاری داشته باشد، هم به اختیارات قانونی‌اش در زمینه‌های «تعیین سیاست‌های کلی نظام» و «نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» بهتر جامه عمل می‌پوشاند، همچنین این اختیارات ضمانت اجرای عملی پیدا می‌کند و هم در راستای ریل‌گذاری برای هدایت قوه مجریه به سمت اهداف کلی نظام تضمین بهتری ایجاد می‌شود و هم اینکه در مواقعی که به دلیل شرایط اضطراری کشور،

رهبری ضرورت قانونگذاری در حوزه‌ای را ببیند، پیش از فوت وقت امکان قانونگذاری در آن حوزه فراهم می‌شود.

برای اجرایی شدن این اختیار ولی فقیه در قوه مقننه با استقرار رژیم پارلمانی، دو راهکار به ذهن نگارندگان خطور می‌کند:

اول) از طریق تقدیم لایحه قانونی توسط دولت به مجلس که در این صورت مجلس آن را بررسی کرده و همچون بقیه لوایح مراحل بعدی گذرانده می‌شود؛

دوم) از طریق تقدیم پیام سالانه به مجلس و ذکر مواردی در این پیام که تصویب قانون در خصوص آن‌ها ضروری است، البته در این روش باید توجه شود که حجم موارد مذکور در پیام سالانه نباید به اندازه‌ای باشد که کلاً ابتکار قانونگذاری را از مجلس بگیرد و عملاً قوه مقننه غیر از پرداختن به موارد مذکور در پیام سالانه، وقتی جهت بررسی طرح‌های قانونگذاری خود نداشته باشد. این روش نسبت به روش اول مطلوب‌تر به نظر می‌رسد. اما شرح تکمیلی این مطالب و ضمانت اجرای آن‌ها در مبحث مربوط به ضمانت اجرای سیاست‌های کلی نظام خواهد آمد.

در مورد روش «پیام سالانه» شایان ذکر است که این روش که از اختیارات ریاست جمهوری در ایالات متحده آمریکا اقتباس شده و هرچند در این کشور با توجه به تفکیک مطلق قوا، رئیس‌جمهور و دولت از حق ابتکار قانون محروم‌اند، با این حال در عمل، رئیس‌جمهور در آغاز هر اجلاس پارلمانی از طریق «پیام سالانه» که حق شخصی اوست، توجه اعضای کنگره را به مواردی که تصویب قانون در خصوص آن‌ها ضروری است، جلب می‌کند و بدین ترتیب، علی‌رغم فقدان حق ابتکار قانون توسط رئیس‌جمهور از لحاظ حقوقی، اما عملاً اکثریت شایان توجهی از قوانین بنا به خواست دولت تصویب می‌شوند (هریسی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۴۵-۱۴۶).

۲-۳-۱. اختیار انحلال مجلس

اساس تعادل در رژیم پارلمانی، دو وسیله است: یکی مسئولیت سیاسی وزرا در برابر پارلمان و امکان سقوط کابینه با رأی عدم اعتماد نمایندگان و دیگری حق انحلال پارلمان توسط دولت؛ پس در برابر حربه سقوط کابینه که در اختیار مجلس قرار دارد، اصل انحلال مجلس، به‌عنوان حربه متقابل قوه مجریه تلقی شده است (قاضی، ۱۳۸۲: ۳۵۸).

در قانون اساسی فعلی جمهوری اسلامی، امکان انحلال مجلس برای هیچ مقامی در هیچ شرایطی پیش‌بینی نشده است، از این رو اهتمام قانون اساسی به این است که در کشور، همیشه مجلس وجود داشته باشد (لطفی، ۱۳۸۹: ۲۵۸).

از نظر نگارندگان یک راهکار اجرایی برای استقرار رژیم پارلمانی در کشور این است که اگر میان قوای مجریه و مقننه اختلاف حاصل شد و دولت تشخیص داد که مورد پشتیبانی افکار عمومی قرار دارد، نخست‌وزیر بتواند از ولی فقیه انحلال پارلمان را درخواست کند و سرنوشت کابینه را به انتخابات جدید و رأی مردم ارجاع دهد و در اجرا، رهبری نیز به دلیل اهمیت موضوع پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت تصمیم مقتضی در مورد انحلال را خواهد گرفت.

پس از تصمیم رهبری مبنی بر انحلال مجلس، اگر در انتخابات جدید بیشتر مردم واقعاً بخواهند از دولت پشتیبانی کنند، قاعدتاً به نمایندگانی رأی خواهند داد که پشتیبان این هیأت دولت باشند و وزرا پس از انتخاب، با رفع موانع و قوی‌تر از پیش به کارشان ادامه خواهند داد، ولی اگر در انتخابات مجدد، رأی اکثریت با مخالفان دولت بود، کابینه سقوط می‌کند و مجدداً طبق فرایند معین اشخاص دیگری مأمور تشکیل کابینه خواهند شد (قاضی، ۱۳۸۲: ۳۵۸-۳۵۹). البته باید توجه داشت که انحلال پارلمان بیشتر کارکرد ایجاد تعادل بین مجلس و دولت را دارد و عملاً به ندرت به وقوع خواهد پیوست، چراکه نخست‌وزیر و وزرا منتخب خود مجلس هستند.

۴-۱. تعیین و نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام

استادان حقوق، سیاست‌گذاری در امر حکومت‌داری را تعیین و تدوین ضوابطی دانسته‌اند که در آن مقتضیات کلی دولت اعمال و مصالح جمعی ملت تأمین شود (غلامی و بهادری جهرمی، ۱۳۹۲: ۵۵).

تعیین سیاست‌های کلی نظام در بسیاری از کشورهای دنیا بر عهده رئیس کشور است. برای مثال در آمریکا و فرانسه، رئیس‌جمهور به شیوه‌های خاص خود به تعیین سیاست‌های کلی اقدام می‌کند (اصول ۱۸، ۲۰ و ۴۹ قانون اساسی فرانسه) (بوشهری، ۱۳۸۴، ج ۴: ۳۴؛ موسی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۵۸).

در جمهوری اسلامی نیز یکی از مجاری تبلور اختیارات و فرمان‌های رهبری، مسئله سیاست‌های کلی نظام است که آن را نیز باید در راستای اختیارات ناشی از رئیس حکومت بودن تحلیل کرد (اسماعیلی و طحان نظیف، ۱۳۸۷: ۱۰۸).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در خصوص ضرورت نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی می‌فرماید:

«ما نباید دل خود را به این خوش کنیم که بنشینیم یک سیاست کلی را برای کشور تصویب می‌کنیم، اما بعد ملاحظه کنیم و ببینیم در عمل دستگاه‌های گوناگون اجرایی، قوای سه‌گانه... هر کدام به راه دیگری می‌روند یا حتی از آن سیاست‌های کلی زاویه داشته باشند. اینکه نمی‌شود، حتماً باید نظارت شود... یعنی حقیقتاً رهبری بداند که این سیاست‌ها کجاها اجرا شد و کجاها اجرا نشد... حضور این سیاست‌ها باید در قالب قانون، مصوبات دولت و سیاست‌های اجرایی که اتخاذ می‌شود محسوس باشد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، مورخ ۱۳۸۱/۰۱/۱۷).

مطابق با مقررات نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام بر اجرای سیاست‌های کلی، تشخیص و اعلام مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات قوای سه‌گانه با سیاست‌های کلی بر عهده مجمع تشخیص مصلحت خواهد بود (ماده ۹ مقررات) و گزارش آن طبق ماده ۱۰ به مقام رهبری داده خواهد شد و در خصوص مصوبات مجلس اگر موردی با بررسی کمیسیون نظارت مجمع به تشخیص مجمع، مغایر سیاست‌های کلی تشخیص داده شد، مراتب به شورای نگهبان منعکس می‌شود تا شورای مزبور، براساس نظر مجمع طبق وظایف و اختیارات خود عمل کند (ماده ۷ مقررات)، ازاین‌رو شورای نگهبان با تشخیص مغایرت مصوبه‌ای با سیاست‌های کلی نظام از سوی مجمع، باید مصوبه مزبور را مغایر قانون اساسی اعلام کرده و از قانونی شدن آن جلوگیری کند (مهرپور، ۱۳۸۷: ۱۲۶-۱۲۷).

شایان ذکر است که برای حسن اجرای سیاست‌های کلی باید ضمانت اجرایی وجود داشته باشد، وگرنه یا اصلاً به این سیاست‌ها عمل نمی‌شود یا آن‌گونه که مقصود واضح است، اجرایی نمی‌شوند. برای مثال ضمانت اجرای این سیاست‌ها در آمریکا بدین‌گونه است که اگر کنگره قانونی را مغایر با سیاست‌های کلی رئیس‌جمهور وضع کند، رئیس‌جمهور می‌تواند آن را توشیح نکرده و آن‌ها را وتو کند (قسمت ۱ بند ۷ ماده ۱ قانون اساسی آمریکا). همچنین در فرانسه اگر مصوبات مجلس با سیاست‌های رئیس‌جمهور مغایر باشد، رئیس‌جمهور می‌تواند مجلس ملی را منحل کند (اصل ۱۲ قانون اساسی فرانسه) (موسی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۷۲).

اما مطابق با ساختار فعلی جمهوری اسلامی (رژیم نیمه ریاستی) در راستای ضمانت اجرای سیاست‌های کلی نظام در قوه مجریه (دولت) باید متذکر شد که هرچند مطابق قانون اساسی راهکارهایی برای این مهم در نظر گرفته شده است، همچون اینکه رئیس‌جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به عهده دارد، در برابر رهبر مسئول است یا رهبری می‌تواند از طریق راهکارهای مذکور در قانون اساسی، رئیس‌جمهور را عزل کند، اما اولاً عزل رئیس‌جمهور مطابق با قانون اساسی به‌طور مستقل توسط رهبری انجام نمی‌گیرد و ثانیاً در عمل به دلایلی همچون احترام به رأی مردم (چراکه رئیس‌جمهور تنها منتخب مستقیم کل مردم کشور است) یا پیشگیری از تنش میان نیروها و احزاب سیاسی کشور یا جلوگیری از آشوب در کشور و...، باید اذعان کرد که در ساختار فعلی (نیمه ریاستی) ضمانت اجرای محکمی در راستای اجرای سیاست‌های کلی در امور اجرایی کشور (امور دولت) وجود ندارد، پس نظارت بر حسن اجرای این سیاست‌ها در قوه مجریه آنچنان نتیجه‌بخش نیست.

در صورت تغییر رژیم سیاسی به پارلمانی به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین تغییر در شیوه نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام و ضمانت اجرای آن‌ها مربوط به قوه مجریه باشد. بدین‌صورت که ولی‌فقیه به‌منظور اجرای سیاست‌های کلی در دولت، این سیاست‌ها را از طریق نخست‌وزیر عملی می‌کند و از آنجا که در تعیین و نصب نخست‌وزیر نقش مهمی دارد (برخلاف تعیین رئیس‌جمهور)، پس سعی می‌کند فردی را به‌عنوان گزینه نخست‌وزیری به مجلس معرفی کند که نسبت به سایر گزینه‌های مطرح، توانایی اجرای سیاست‌های کلی نظام را داشته باشد، از این‌رو با واسطه کمتری نسبت به رژیم نیمه ریاستی می‌تواند برنامه‌های خود و سیاست‌های کلان نظام را اجرایی کرده و بر آن‌ها نظارت کند. همچنین در صورت عدم اجرای سیاست‌ها از طرف دولت عزل نخست‌وزیر توسط ولی‌فقیه یک ضمانت اجرای قوی محسوب می‌شود که نسبت به عزل رئیس‌جمهور در رژیم نیمه ریاستی معضلات و هزینه‌های بسیار کمتری دارد.

در صورت استقرار رژیم پارلمانی در خصوص شیوه نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام و ضمانت اجرای این نظارت در قوه مقننه به‌نظر می‌رسد همان نظارت مجمع و شورای نگهبان بر مصوبات مجلس و رد این مصوبات در صورت عدم تطابق با سیاست‌های کلی نظام، حقوقی‌ترین شیوه نظارت محسوب شود. اما همان‌طور که بیان شد، اجرای شیوه فعلی از طرف شورای نگهبان و مجمع تشخیص صرفاً راهکار سلبی است و نمی‌تواند به‌صورت کامل به

اختیارات ولی فقیه در حوزه تقنین جامعه عمل بپوشاند و ضمانت اجرای کاملی در راستای سیاست‌های کلی نظام در زمینه قانونگذاری محسوب شود. از این رو می‌توان در راستای حق ابتکار و تکمیل ضمانت اجرای اختیارات ولی فقیه در حوزه تقنین به راهکار پیام سالانه توسط رهبری به مجلس یا الزام دولت به تبدیل سیاست‌های کلی به لوایح قانونی دولت، به‌منظور تبدیل به قانون اشاره داشت که البته در هر دو مورد، نظارت شورای نگهبان یا مجمع به این‌گونه مصوبات مجلس در راستای مواظبت بر تصویب مقصود ولی فقیه ضروری است.

۲. اقتضائات حقوق اساسی رژیم پارلمانی در نظام جمهوری اسلامی ایران

اقتضائات اساسی رژیم پارلمانی شامل ضرورت‌ها، محدودیت‌ها، محاسن و معایب این رژیم با توجه به ساختار و ماهیت نظام جمهوری اسلامی به‌منظور استقرار در این نظام است که در ذیل به تفصیل ذکر می‌شود. شایان ذکر است تفاوت معایب و موانع در این است که موانع، عواملی‌اند که پیش از استقرار رژیم پارلمانی مانع دستیابی به آن رژیم می‌شوند، اما معایب عواملی‌اند که پس از استقرار رژیم پارلمانی موجب اختلال در امور کشور می‌شوند.

۲-۱. ضرورت‌های استقرار رژیم پارلمانی در نظام جمهوری اسلامی ایران

به‌منظور استقرار رژیم پارلمانی گریزی از اعمال تغییرات ضروری در ساختار سیاسی و حقوقی کشور نیست. در ذیل به این ضرورت‌ها اشاره می‌شود:

۲-۱-۱. تغییر در قانون اساسی کشور

قانون اساسی هر کشور، سازمان‌دهنده ارکان زمامداری و تضمین‌کننده حقوق مردم است (هاشمی، ۱۳۶۹: ۱۶۱)، چنانکه رژیم سیاسی، اختیارات قوای سه‌گانه کشور و نحوه ارتباطشان با یکدیگر در قانون اساسی آن کشور معین می‌شود. از این رو یکی از ضرورت‌های استقرار رژیم پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران، بازنگری در قانون اساسی است، چراکه برخی لوازم ضروری رژیم پارلمانی در قانون اساسی فعلی در نظر گرفته نشده است. برای مثال به پست نخست‌وزیری، شیوه انتخاب آن، نحوه تعامل دولت و رهبر، میزان دخالت رهبر در انتخاب نخست‌وزیر و موارد دیگر که در قانون اساسی فعلی به آن اشاره نشده است.

۲-۱-۲. ایجاد پست نخست‌وزیری

از آنجا که یکی از خصیصه‌های اصلی رژیم پارلمانی، دورکنی بودن قوه مجریه است و از طرفی همان‌طور که بیان شد، در جمهوری اسلامی لاجرم رئیس کشور رهبر است، از این رو

به منظور تصدی ریاست دولت، وجود منصب نخست‌وزیری در ساختار کشور ضروری است. از آنجا که اتصال، پیوند، گفت‌وگو و همکاری پارلمان و دولت در رژیم پارلمانی ضروری است، از این رو اصلی‌ترین حلقه اتصال و همکاری بین دولت و پارلمان در این رژیم، نخست‌وزیر محسوب می‌شود، چراکه نماینده اصلی پارلمان در دولت است و وظیفه دارد مصوبات پارلمان را در کشور به اجرا درآورد و در این موارد در برابر پارلمان باید پاسخگو باشد. در نتیجه رژیم پارلمانی با قرار داشتن منصب نخست‌وزیری در چیدمانش مفهوم می‌یابد و استقرار رژیم پارلمانی بدون وجود منصب نخست‌وزیری اجرائش‌دنی و بی‌معناست.

۳-۱-۲. حذف پست ریاست جمهوری

یکی از تجربیات ناموفق ابتدای انقلاب اسلامی پراکندگی و عدم تمرکز بیش‌ازحد در امور دولت بود، چراکه اختیارات این قوه بین رهبر، رئیس‌جمهور منتخب ملت و نخست‌وزیر تقسیم شده بود و این عدم تمرکز در زمینه‌های مختلف به اختلاف بین رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و در نتیجه کاهش سرعت و بی‌ثباتی در انجام امور کشور منجر می‌شد.

از طرف دیگر از آنجا که رهبر سمت ریاست کشور را داشت و نخست‌وزیر رئیس هیأت وزیران و عملاً همه‌کاره در امور دولت بود، در این میان رئیس‌جمهور با اینکه با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شد و در واقع نمایندگی مردم در سراسر کشور را بر عهده داشت، اما با وجود این موقعیت مردمی و مرتبت سیاسی (عالی‌ترین مقام کشور پس از مقام رهبری) در اداره دولت نقش شایان توجهی نداشت، چراکه با توجه به قانون اساسی سابق پس از معرفی کابینه به مجلس توسط رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، ریاست کابینه را بر عهده داشت و رئیس‌جمهور صرفاً حق حضور در جلسات هیأت‌وزیران را داشت، بدون اینکه در خصوص اعمال هیأت وزیران هیچ‌گونه اختیار یا قدرت مؤاخذه‌ای داشته باشد و در واقع، اعمال ریاست دولت عملاً از وی سلب شده و نقش تشریفاتی پیدا کرده بود و این موارد موجب می‌شد رئیس‌جمهور در انجام وعده‌های انتخاباتی‌اش به مردم ناکام بماند (هاشمی، ۱۳۶۹: ۱۷۱-۱۷۲).

با توجه به اینکه لازمه استقرار رژیم پارلمانی، وجود سمت نخست‌وزیری در سیستم اجرایی کشور است و از طرفی با وجود تجربه ناموفق نظام در حضور همزمان رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر در رأس دولت، به نظر می‌رسد که لازمه استقرار رژیم پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران، حذف پست ریاست جمهوری باشد، البته شاید سؤال شود چرا این مشکل برای

برخی کشورهای دیگر که همزمان هم رئیس‌جمهور و هم نخست‌وزیر دارند، ایجاد نمی‌شود؟! در پاسخ باید گفت که در آن کشورها ریاست کشور با رئیس‌جمهور و ریاست دولت با نخست‌وزیر است و حال آنکه در کشور ما ریاست کشور بر عهده رهبری است و در صورت استقرار رژیم پارلمانی ریاست دولت نیز لاجرم بر عهده نخست‌وزیر خواهد بود، از این رو اگر سمت ریاست جمهوری نیز در سیستم نظام اجرایی در رژیم پارلمانی تعریف شود، از آنجا که شخص منتخب مردم نه رئیس کشور است و نه رئیس دولت، نقشی تشریفاتی پیدا خواهد کرد. شایان توجه است در هیچ کشور جمهوری که دارای نظام پارلمانی باشد، رئیس کشور (رئیس‌جمهور) در انتخابات همگانی و مستقیم توسط مردم انتخاب نمی‌شود، بلکه توسط هیأتی خاص انتخاب می‌شود (هریسی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۴۰)، همچون رهبری در نظام جمهوری اسلامی که توسط مجلس خبرگان تعیین می‌شود. نقش ولی‌فقیه در رژیم پارلمانی مذکور همچون نقش رئیس‌جمهور در دیگر کشورهای پارلمانی، ریاست کشور است، با این تفاوت که به سبب مبانی اندیشه‌ای نظریه ولایت فقیه، از کاربرد اصطلاح «رئیس‌جمهور» برای این جایگاه خودداری می‌شود. از این رو تغییر ساختار سیاسی کشور به پارلمانی موجب خروج نظام از ساحت «جمهوریت» نخواهد شد.

۴-۱-۲. شکل‌گیری احزاب قوی

میان عقاید مردم در غیاب احزاب، پراکندگی بسیار وجود دارد و هرگاه همه آن‌ها در جهت حل مشکلات خود مستقیم، راه قوه مقننه را در پیش گیرند، جز با تکلیف ماندن امور، حاصلی برای مردم نخواهد داشت (بوشهری، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۰۷).

قوام نظام‌های پارلمانی مبتنی بر فعالیت احزاب است، در نظام پارلمانی، اگر احزاب نباشند، اساساً در انتخاب کابینه با مشکل مواجه خواهیم شد و بدون حضور احزاب و ایجاد فضای رقابت بین احزاب برای کنترل همدیگر، نظام پارلمانی، دستاوردی نخواهد داشت (مؤمنی‌راد، بهدادفر، ۱۳۹۶: ۱۶۴ و ۱۷۸).

رژیم پارلمانی بدان سبب با موفقیت به انجام امور خواهد پرداخت که اکثریتی از حزب حاکم یا ائتلاف احزاب از آن پشتیبانی کنند. بدون چنین حمایتی، دولت برخاسته از قوه مقننه باید با توده سازمان‌نایافته اعضای پارلمان که هر آن ممکن است حکومت را گرفتار کنند،

روبه‌رو شود. در چنین حالتی حکومت دستخوش تغییرات پی‌درپی می‌شود و کار آن غیرممکن خواهد بود (عالم، ۱۳۸۲: ۳۴۹-۳۵۰).

همان‌طور که ذکر شد شکل‌گیری و فعالیت احزاب قوی به‌منظور استقرار رژیم پارلمانی، ضروری است، چراکه در صورت عدم حضور احزاب قوی، معضلاتی پیش خواهد آمد که در ذیل به‌صورت خلاصه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) چالش در انتخاب نخست‌وزیر

به‌دلیل عدم حضور نمایندگانی از گرایش‌های سیاسی خاص و طبعاً نبود اکثریت و اقلیت گرایش سیاسی، انتخاب نخست‌وزیر با بن‌بست یا معضل جدی روبه‌رو خواهد شد یا این انتخاب غیرکارشناسی و نتیجه ائتلاف‌های سست و زودگذر سیاسی خواهد بود و جمع این موارد موجب خواهد شد که بیشتر اوقات فرد منتخب پارلمان، شایسته منصب نخست‌وزیری نباشد یا امکان اداره امور را نداشته باشد.

ب) بی‌ثباتی دولت مستقر

به‌دلیل عدم سازماندهی تشکیلاتی و نظام‌مند گرایش‌های سیاسی در پارلمان، نمایندگان در خصوص موضوعات مختلف فاقد مشی مشخص‌اند و در هر برهه‌ای مواضع و نظرهایشان دچار دگرگونی می‌شود و از آنجا که دولت مجبور است حرکت کلی خود را با مواضع پارلمان هماهنگ کند، از این‌رو دولت مستقر نیز در مواضع، حرکت کلی و اهداف خود ثبات لازم را نخواهد داشت.

ج) حرکت کند و نامتوازن دولت

به‌علت فقدان حضور احزاب قوی و منسجم و همچنین نبود اکثریت و اقلیت گرایشی معین نمایندگان پارلمان، وزرای منتخب پارلمان هر کدام با تفکرات غیرهمسو و نامتوازن انتخاب خواهند شد و این معضل موجب می‌شود که به‌دلیل اختلاف‌های بسیار در کابینه حرکت دولت کند و کار وزارتخانه‌ها غیرمنسجم و پراکنده باشد.

۲-۲. محدودیت‌های استقرار رژیم پارلمانی در نظام جمهوری اسلامی ایران

۱-۲-۲. نبود نظام حزبی منسجم و احزاب کارآمد

در جمهوری اسلامی به دلایلی یا هنوز احزاب منسجم و قوی شکل نگرفته است یا توان ادامه فعالیت پیدا نکرده‌اند. از جمله این دلایل عبارت‌اند از:

تأسیس و اداره از بالا به پایین احزاب، رویکرد صرفاً انتخاباتی و فاقد برنامه بلندمدت، اختلاف علمای دینی و حاکمان کشور بر سر جواز یا عدم جواز نظام حزبی برای کشور، نداشتن توان مالی اکثریت احزاب، نبود بستر کافی در ساختار حکومت به منظور فعالیت مستمر و منسجم احزاب.

۲-۲-۲. تعارض رژیم پارلمانی با وحدت یا همگرایی ملی و گرایش به سمت چنددستگی مردم

از آنجا که نظام جمهوری اسلامی نظامی نوپا در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شود و با توجه به ایدئولوژی خاص خود دشمنانی سرسخت دارد که در کمین براندازی آن‌اند و اتحاد ملی برای این نظام نوپا ضرورت دارد، از این رو از آنجا که نفس رژیم پارلمانی به دلایلی از جمله تقویت و رسمیت دادن به احزاب سیاسی متعدد با تکثرگرایی سیاسی مردم موافق‌تر است، این مسئله ممکن است به دلیل تجربه ناکافی مردم و مسئولان در کار حزبی موجب چنددستگی و حتی بروز اختلاف‌های قومی و مذهبی یا تقابل مسئولان نظام با یکدیگر شود؛ به طوری که آرامش و سرعت کشور کاسته شده و ندای اختلاف ملی به دشمنان برسد و آنان با تلاش خود دامنه این اختلاف‌ها را بیشتر کنند و در نتیجه موجب تضعیف حکومت شوند.

۲-۲-۳. چالش تغییر در قانون اساسی

فرصت بازنگری در قانون اساسی زمانی مطلوب است که عموم کارگزاران حکومت در مورد ضرورت تغییر در قانون اساسی کشور متفق‌القول باشند (طاهری، ۱۳۹۵: ۳۰۷). در غیر این صورت اختلاف نظر بین کارگزاران نظام که بسیاری از آنان در شورای بازنگری نیز حاضر خواهند بود، موجب تزلزل متن مدون جدید یا دست نیافتن شورا به نتیجه قطعی خواهد شد و از طرف دیگر، اختلاف کارگزاران نظام به سطح جامعه نیز کشیده شده و موجب سردرگمی مردم در همه‌پرسی یا ایجاد تنش میانشان می‌شود. در حال حاضر در خصوص بازنگری در قانون اساسی به منظور تغییر رژیم سیاسی کشور به پارلمانی بین کارگزاران نظام و نخبگان سیاسی کشور اتفاق نظر وجود ندارد و نظرهای متفاوتی مطرح است.

۲-۲-۴. جنگ روانی و تحریک افکار عمومی

در راستای این تغییر جنگ روانی گسترده‌ای در عرصه‌های بین‌المللی و داخلی علیه جمهوری اسلامی صورت خواهد پذیرفت. بدین صورت که تلاش مضاعفی در جهت تحریک

افکار عمومی و دلسرد کردن مردم کشور در زمینه حکومت به دلیل کاهش تعداد مشارکت مستقیمشان در امور نظام خواهد گرفت، همچنین به رهبری اتهام دیکتاتوری به سبب دخالت در نصب و عزل نخست‌وزیر و تغییر اختیاراتش در قوه مجریه، زده خواهد شد.

۲-۳. محاسن استقرار رژیم پارلمانی در جمهوری اسلامی

۲-۳-۱. سیستم مطلوب‌تر جهت اجرای کامل اختیارات رهبری

مطابق قانون اساسی و نظریه ولایت مطلقه فقیه، رهبر در منصب ریاست کشور اختیاراتی در قوای مجریه و مقننه دارد که با توجه به مطالب ذکرشده و نظریه ولایت مطلقه فقیه، رژیم پارلمانی برای اجرای کامل این اختیارات و وظایف مطلوب‌تر به نظر می‌رسد. از جمله وظایف ولی فقیه تعیین سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام است که باید رهبر مطابق شرایط کشور با مشورت مجمع تشخیص مصلحت برای کشور در حوزه‌های اجرایی، تقنینی و قضایی هدف‌گذاری کند و نقشه راه همه ارگان‌های کشور را در راستای اهداف کلی نظام معین کند و از جمله لوازم این اختیارات، تفوق ولی فقیه بر قوه مجریه است که با استقرار رژیم پارلمانی به واسطه دخالت رهبر در تعیین و نصب نخست‌وزیر فراهم‌تر است.

۲-۳-۲. هماهنگی و همراهی بیشتر بین رهبر و رئیس دولت

گسترده‌گی اختیارات رئیس قوه مجریه نسبت به قوای دیگر و انتخاب مستقیم ایشان توسط مردم، بسیاری اوقات موجب می‌شود که این تلقی ایجاد شود که در نظام جمهوری اسلامی، رئیس کشور همان رئیس‌جمهور است، چراکه در کشورهای مطرح دنیا، چه آن‌ها که دارنده رژیم ریاستی و چه آن‌ها که دارنده رژیم نیمه‌ریاستی‌اند، رئیس کشور همان رئیس‌جمهور یعنی منتخب مستقیم مردم است، اما در ایران هم مطابق با قانون اساسی و هم مطابق با مبانی نظری جمهوری اسلامی، رهبر رئیس کشور است و از طرف دیگر، رئیس‌جمهور منتخب مستقیم تمام ملت، رئیس دولت است و این ساختار نه تنها با رژیم‌های ریاستی و نیمه‌ریاستی همگرایی ندارد، بلکه با رژیم پارلمانی نیز که رئیس دولت، نخست‌وزیر منتخب پارلمان است، هماهنگی ندارد. پس به دلایل مذکور گاهی در اداره کشور بین رهبر و رئیس‌جمهور اختلاف نظر ایجاد می‌شود و هرچند مطابق قانون اساسی رئیس‌جمهور در برابر رهبر مسئول است، اما انتخاب مستقیم رئیس‌جمهور از طرف مردم و عدم دخالت رهبر در تعیین آن، کار حل اختلاف را سخت می‌کند که دلیل آن عدم برقراری توازن کامل قدرت بین جایگاه ولایت فقیه و ریاست

جمهوری، علی‌رغم تفکیک کامل وظایف آن‌ها در قانون اساسی است (مؤمنی‌راد و بهدادفر، ۱۳۹۶: ۱۶۳). در این زمینه رژیم پارلمانی که رهبر در تعیین و نصب رئیس دولت نقش ویژه دارد، مطلوب‌تر به نظر می‌رسد.

۳-۳-۲. کنترل دولت به‌عنوان قدرت چیره بر تمام نظام اجرایی کشور

در رژیم‌های سه‌گانه سیاسی، دولت از قدرت اجرایی و توان تأثیرگذاری بسیار زیادی در مناسبات کشور برخوردار است که اگر این اختیارات و مسئولیت‌ها توسط نهادی کنترل و نظارت نشود، موجب استبداد و یکه‌تازی دولت و تضعیف بقیه قوا و در نتیجه تعدی به حقوق و آزادی‌های مردم خواهد شد. با مقایسه رژیم‌های سه‌گانه به این نتیجه می‌رسیم که در هیچ‌کدام از این رژیم‌ها مانند رژیم پارلمانی، نظارت بر اختیارات دولت و مسئولیت دولت در برابر پارلمان صورت نمی‌گیرد (هاشمی، ۱۳۹۵: ۲۴۶-۲۴۷). از این رو در صورت استقرار رژیم پارلمانی با تعیین نخست‌وزیر و کابینه توسط پارلمان و نصب رهبر، دولت مستقر از یک طرف وابسته به رأی نمایندگان پارلمان و اجراکننده قوانین مصوب آن‌ها و از طرف دیگر مستظهر به حمایت مقام رهبری است که از این لحاظ قدرت دولت کنترل شده و ثبات نسبی برای دولت ایجاد می‌شود (رستکی و بابایی مهر، ۱۳۹۸: ۵۶۳).

۳-۳-۴. کاهش تعارضات بین مجلس و دولت و هماهنگی بیشتر بین آن‌ها

از آنجا که در رژیم پارلمانی، دولت از دل پارلمان ایجاد می‌شود و حتی در بسیاری از کشورهای پارلمانی، اعضای دولت الزاماً از میان نمایندگان مجلس انتخاب می‌شوند، پس قوه مجریه کارگزار اجرایی پارلمان است و وظیفه‌ای جز اجرای قانون ندارد. به عبارت دیگر، دولت مباشر و عامل قوه مقننه تلقی می‌شود (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۸۰: ۱۲۶). از این رو وقتی رئیس کابینه و بقیه وزرا حاصل انتخاب خود پارلمان باشند و خود را کارگزار پارلمان بدانند، مجالی برای مقابله و تعارض با پارلمان برای آن‌ها باقی نمی‌ماند و مجبور به همراهی با نمایندگان ملت هستند. اما در ساختار فعلی کشور از آنجا که رئیس دولت خود را منتخب مستقیم تمام مردم کشور می‌داند و نه منتخب نمایندگان پارلمان، بیش از آنکه دولت را ملزم به اجرای مصوبات پارلمان بداند، ملزم به اجرای وعده‌های انتخاباتی‌اش می‌داند. در نتیجه اگرچه مجلس

دارای اختیارات وسیعی از حیث نظارت بر دولت است، در مقابل، دولت برآمده از مجلس نیست، پس دولت در برابر قوانینی که موافق خواستش نباشد، ممکن است تمکین نکند.

۵-۳-۲. اداره حکومت مبتنی بر تخصص و مطابق با نظر جمعی نخبگان کشور

با اجرای رژیم پارلمانی، اداره کشور به دلایل ذیل توسط نخبگان سیاسی و با پختگی بیشتری صورت می‌پذیرد:

الف) انتخاب رئیس دولت توسط نمایندگان پارلمان و با انتصاب رهبری انجام خواهد گرفت که بی‌گمان نمایندگان پارلمان و رهبر نظام از مردم عادی تخصص بیشتری در اداره کشور و شناخت بیشتری از شرایط و معضلات نظام دارند؛

ب) گاهی اوقات انتخاب مردم از روی هیجانات و احساسات زودگذر و حاصل حرکت‌های انفجاری و سلیقه‌ای است و نه اینکه الزاماً همچون نخبگان سیاسی انتخاب همراه با شناخت عمیق از شرایط کشور باشد؛

ج) از آنجا که استقرار رژیم پارلمانی با حضور نظام حزبی ملازمه دارد و با رونق گرفتن احزاب، دولت‌ها از دل احزاب سر برمی‌آورند، استقرار رژیم پارلمانی سبب می‌شود که مدیران سیاسی کشور از میان افراد تربیت‌شده و آموزش‌دیده احزاب انتخاب شوند و موجب جلوگیری از حضور افراد کم‌تجربه در اداره سمت‌های سیاسی خواهد بود (مؤمنی‌راد و بهدادفر، ۱۳۹۶: ۱۷۷).

۴-۲. معایب استقرار رژیم پارلمانی

۱-۴-۲. تضعیف حس مشارکت مردم در اداره حکومت

چه بسا استقرار رژیم پارلمانی و حذف منتخب مستقیم مردم در رأس دولت موجب تضعیف‌تر شدن رابطه مردم و حاکمیت شود، چراکه در حال حاضر مردم به سبب انتخاب مستقیم رئیس اجرایی کشور، حس مشارکت بیشتری در امور کشور دارند. در این زمینه توجه به دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای از اعضای شورای بازنگری در قانون اساسی مفید به نظر می‌رسد: «رأی مستقیم مردم یک امتیاز بزرگ دارد و آن این است که وقتی مردم احساس کردند که یک فردی را به عنوان ریاست کشور و اداره کشور دارند معین می‌کنند و خود آن‌ها هستند که به او مسئولیت می‌دهند، طبیعتاً هم محبت آن مسئول را در دل می‌گیرند و هم احساس مسئولیت

بیشتری نسبت به حمایت از او می‌کنند. ما بدون کمک و حمایت مردم نمی‌توانیم هیچ کاری بکنیم و هیچ دولتی بدون این پشتوانه قادر به کار نخواهد بود. رئیس‌جمهور وقتی که متکی به آرای مردم است با مردم مثل موکلینی که وکیلی را معین کردند، حرف می‌زند و از آنها کمک می‌خواهد مردم هم عیناً همین احساس را نسبت به او دارند و من تصور می‌کنم مسئله مردمی بودن نظام را که یکی از مهم‌ترین مظاهرش همین است که رئیس‌جمهور را خود مردم انتخاب خواهند کرد این را ما به‌آسانی از نظام جمهوری اسلامی سلب نکنیم، مصلحت نیست» (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری، ۱۳۶۹، ج ۱: ۵۴۱).

همچنین در صورت انتخاب مستقیم رئیس‌دولت توسط ملت از آنجا که مردم بسیاری از ضعف‌های اجرایی کشور را نتیجه انتخاب خود می‌دانند، در نتیجه در برابر سختی‌ها و معضلات پیچیده کشور صبر بیشتری از خود نشان می‌دهند و با دولت‌های منتخبشان همراهی بیشتری خواهند داشت که رژیم پارلمانی از این خصیصه بسیار کمتر برخوردار است.

۲-۴-۲. اختلال در فعالیت احزاب سیاسی

یکی از ضروریات استقرار رژیم پارلمانی در هر کشوری، وجود نظام حزبی قوی، منسجم و فراگیر است، چراکه احزاب ارکان رژیم پارلمانی‌اند، اما در صورتی که در آن کشور فرهنگ فعالیت حزبی وجود نداشته باشد یا احزاب در مبانی اساسی و ملی حکومتشان اختلاف داشته باشند، پس با استقرار رژیم پارلمانی در فعالیت احزاب به دلیل تعارضات عمیقشان و عدم استقبال مردمی اختلال پیش خواهد آمد. نتیجه اختلال در فعالیت احزاب، اختلال در رژیم پارلمانی خواهد بود. در ایران به دلایلی از جمله دلایل ذیل فرهنگ فعالیت حزبی ضعیف است:

الف) اکراه مردم از عضویت و فعالیت در احزاب سیاسی که ریشه در مسائل مختلف دارد. از جمله این مسائل بی‌اعتمادی به احزاب است. بی‌اعتمادی مردم حاصل تجربه تلخ تاریخی‌شان از فعالیت احزابی همچون مجاهدین، توده، رستاخیز و... است (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸: ۱۰۱-۱۰۲ و ۱۱۹)؛

ب) در کشورهایی که نظام حزبی قوی و منسجمی دارند، این احزاب اغلب در اصول و اهداف اساسی و ملی‌شان با یکدیگر اشتراک نظر دارند و تنها اختلافاتشان تاکتیکی و راهبردی است، این در حالی است که مشاهده می‌شود در ایران احزاب در بسیاری از مبانی اساسی و ملی با یکدیگر اختلاف‌های عمیق دارند و این اختلاف بالاتر از اختلاف سلیقه‌ای است که در کشورهای پیشرفته موجود است. با این اوصاف اگر نظام پارلمانی در ایران مستقر شود، از آنجا

که استقرار نظام پارلمانی باید توأمان با حضور و فعالیت احزاب قوی و فراگیر باشد، ممکن است نه تنها استقرار رژیم پارلمانی نتیجه ندهد، بلکه مضراتش بیشتر از فوایدش باشد.

۳-۴-۲. چالش انحلال پارلمان توسط دولت و انحلال دولت توسط پارلمان

یکی از سازوکارهای تعادل در رژیم پارلمانی انحلال مجلس توسط دولت یا انحلال دولت توسط مجلس است، از این رو از آنجا که پس از استقرار رژیم پارلمانی، دولت و نمایندگان پارلمان در ایران تجربه چندانی به منظور استفاده از این اهرم تعادل ندارند، ممکن است با استفاده نابجا و غیرمصلحت‌اندیشانه از این اهرم موجب نتیجه معکوس از این سازوکار شده و سبب اختلال در ثبات کشور و تعطیلی پی‌درپی امور مملکت شوند. چه بسا دلیل آنکه رهبر انقلاب در سخنرانی‌شان در سال ۱۳۹۸ استقرار رژیم پارلمانی را برای کشور مناسب ندانسته‌اند، همین موانع و معایب باشد (بیانات در دیدار با جمعی از دانشجویان مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۰۱) و نه اینکه با اصل نظام پارلمانی مخالف باشند، چراکه ایشان خودشان با سخنرانی در سال ۱۳۹۰ موجب تقویت ایده اجرای رژیم پارلمانی در کشور شدند (بیانات در اجتماع مردم کرمانشاه مورخ ۱۳۹۰/۰۷/۲۰).

نتیجه‌گیری

نقش رهبر، به دلیل مبانی اندیشه‌ای و فقهی آن در هر رژیم سیاسی از رژیم‌های سه‌گانه منصب ریاست کشور است. اما ایجاد تفاوت در رژیم سیاسی کشور موجب تفاوت در برخی اختیارات و وظایف این نهاد متناسب با رژیم مستقر خواهد شد. در مورد تفاوت در نقش و حوزه اختیارات نهاد رهبری با استقرار رژیم پارلمانی، بیشترین تغییر ایجاد شده مربوط به قوه مجریه خواهد بود، چراکه پیشنهاد نامزد نخست‌وزیری و نصب نخست‌وزیر در زمره اختیارات رهبر قرار خواهد گرفت و به تبع آن اعمال ولایت ایشان در قوه مجریه برخلاف رژیم نیمه‌ریاستی، کامل‌تر و با سهولت بیشتری انجام می‌گیرد. ضمانت اجرای اعمال ولایت و نظارت بر انجام سیاست‌های کلی نظام در رژیم پارلمانی قوی‌تر خواهد بود. برای مثال ضمانت اجرای این موارد در قوه مجریه بدین گونه است که اگر نخست‌وزیر، امور اجرایی کشور را مطابق با سیاست‌های کلی انجام ندهد یا برخلاف آن‌ها عمل کند، عزل خواهد شد. عزل نخست‌وزیر در عین سهولت بیشتر، هزینه‌های کمتری نسبت به عزل رئیس‌جمهور منتخب

مردم کشور در بردارد. از این رو نخست‌وزیر مجبور است یا مطابق با سیاست‌های کلی نظام عمل کند یا عزل شود.

به نظر می‌رسد چنانچه نخست‌وزیر در رژیم پارلمانی در عین حال که مجری مصوبات پارلمان است، کارگزار رهبر در امور اجرایی کشور نیز محسوب شود، پس در میان رژیم پارلمانی و رژیم نیمه‌ریاستی، رژیم پارلمانی به اندیشه ولایت مطلقه فقیه شباهت و قرابت بیشتری داشته و به منظور اجرای کامل وظایف و اختیارات ولی فقیه مناسب‌تر باشد. همان‌طور که نظام جمهوری اسلامی به منظور استقرار رژیم پارلمانی برخی ظرفیت‌های لازم را داراست. با وجود این، کشور برای تغییر رژیم به پارلمانی با محدودیت‌ها و موانعی نیز مواجه است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: نبود نظام حزبی منسجم و احزاب قوی و تعارض رژیم پارلمانی با وحدت ملی.

رژیم پارلمانی برای کشور محاسنی از جمله کنترل دولت به‌عنوان قدرتی چیره بر تمام نظام اجرایی، همراهی بیشتر میان رهبر و رئیس دولت را دارد. اما اجرای این رژیم در کشور معایبی نیز دارد که از جمله می‌توان به تضعیف حس مشارکت مردم در اداره حکومت، ایجاد اختلال در فعالیت احزاب به‌عنوان رکن رژیم پارلمانی اشاره کرد. از این رو باید گفت هرچند استقرار رژیم پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران دارای ظرفیت‌ها و محاسن فراوانی است، برای آنکه جایگاه نهاد ولایت فقیه در زمینه اجرای اختیاراتش با استقرار رژیم پارلمانی، راهگشا تر باشد، ابتدا ضروری است موانع و معایب رژیم پارلمانی به‌منظور اجرا در جمهوری اسلامی ایران رفع شود، و الا نه‌تنها نقش رهبری در اداره امور کشور مؤثرتر و مفیدتر نخواهد شد، بلکه ممکن است انجام اختیارات و وظایف ایشان نسبت به رژیم نیمه‌ریاستی با مخاطرات بیشتر و فواید کمتری همراه باشد. همچنین در صورت عدم رفع موانع و معایب، تغییر رژیم سیاسی کشور نه‌تنها مفید نخواهد بود، بلکه احتمالاً زیان آن بیشتر از رژیم نیمه‌ریاستی فعلی باشد.

منابع

الف) کتابها و مقالات

۱. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۸)، «احزاب، ثبات سیاسی و امنیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۴، ص ۱۰۱-۱۰۲ و ۱۱۹.
۲. اسماعیلی، محسن و هادی طحان نظیف (۱۳۸۷)، «تحلیل ماهیت نهاد سیاست‌های کلی نظام در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال نهم، ش ۲، ص ۱۰۸.
۳. بوشهری، جعفر (۱۳۸۴)، حقوق اساسی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ج ۱ و ۲، چ اول.
۴. خمینی موسوی، روح‌الله (۱۳۹۷)، ولایت فقیه، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ سی و دوم.
۵. رستکی، محمدمهدی و علی بابایی مهر (۱۳۹۸)، «الگوی رژیم پارلمانی در نظام مبتنی بر حاکمیت الهی و ولایت فقیه در جمهوری اسلامی ایران»، مجله مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۹، ش ۲، ص ۵۶۱ و ۵۶۳.
۶. سیستانی، سید علی (۱۳۹۴)، الاجتهاد و التقليد و الاحتیاط: تقریرا لابیحات السیدعلی السیستانی، قم: بی‌نا.
۷. شعبانی، قاسم (۱۳۷۳)، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران: اطلاعات، چ اول.
۸. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۹)، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس، ج ۱.
۹. طاهری، محسن (۱۳۹۵)، محشای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: جنگل، چ اول.
۱۰. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۰)، حقوق اساسی (کلیات و رژیم‌های مهم سیاسی)، تهران: میزان، چ اول.
۱۱. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۲)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، چ دهم.
۱۲. غلامی، علی و علی بهادری جهرمی (۱۳۹۲)، «مفهوم، ماهیت و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال دوم، ش ۱، ص ۵۵.

۱۳. قاضی، سید ابوالفضل (۱۳۸۲)، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ هشتم.
۱۴. ----- (۱۳۹۶)، *بایسته‌های حقوق اساسی*، تهران: میزان، چ پنجاه و ششم.
۱۵. لطفی، اسدالله (۱۳۸۹)، *حقوق اساسی و ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران*، تهران: جاودانه، چ اول.
۱۶. مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۶۶)، *حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سروش، ج ۳، چ اول.
۱۷. موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۸۷)، «تأملی در مفهوم ماهیت و جایگاه حقوقی سیاست‌های کلی نظام» *مجله حقوق اسلامی*، سال پنجم، ش ۱۷، ص ۱۵۸ و ۱۷۲.
۱۸. مومنی‌راد، احمد و میثم بهدادفر (۱۳۹۶)، «بررسی موانع، زمینه‌ها و راهکارهای پارلمانی شدن نظام جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، سال بیست و دوم، ش ۲، ص ۱۶۴-۱۶۳ و ۱۷۸-۱۷۷.
۱۹. مهرپور، حسین (۱۳۸۷)، *مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دادگستر، چ اول.
۲۰. هاشمی، سید محمد (۱۳۶۹)، «بررسی تطبیقی و موضوعی بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۸، ص ۱۶۱ و ۱۷۲-۱۷۱.
۲۱. ----- (۱۳۹۵)، *حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی*، تهران: میزان، چ سوم.
۲۲. هریسی‌نژاد، کمال‌الدین (۱۳۸۷)، *حقوق اساسی تطبیقی (نظام‌های پارلمانی، ریاستی، مختلط و اقتدارگرا)*، تبریز: آیدین، چ اول.

ب) قوانین

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲. قانون اساسی فرانسه.
۳. قانون اساسی ایالات متحده آمریکا.

ج) ارجاعات از سایت حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب

۱. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۱/۰۱/۱۷)، *بیانات در دیدار با اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام*.
۲. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸/۰۳/۰۱)، *بیانات در دیدار با جمعی از دانشجویان*.
۳. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۰۷/۲۰)، *بیانات در اجتماع مردم کرمانشاه*.

References

A) Books and Articles

1. Akhavan Kazemi, Bahram (1999), "Parties, Political Stability and Security", **Strategic Studies Quarterly**, No.4, pp. 101-102 and 119. (in persian)
2. Esmaeili, Mohsen and Hadi Tahan Nazif (2008), "Analysis of the Nature of the Institution of the General Policies of the Islamic System in the Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran", **The Quarterly Journal of Islamic Law Research**, Year 9, No.2, pp. 108. (in persian)
3. Boushehri, Jafar (2005), **Issues in constitutional law**, Tehran: Sahami Enteshar Publication, First Edition, Vol.1. (in persian)
4. Boushehri, Jafar (2005), **Issues in constitutional law**, Tehran: Sahami Enteshar Publication, First Edition, Vol.4. (in persian)
5. Rastaki, Mohammad Mahdi and Ali Babaei Mehr (2019), "The pattern of the parliamentary regime in a system based on divine sovereignty and Waliyat Faqih in the Islamic Republic of Iran", **The Public Law Studies Quarterly**, Period 49, No.2, pp. 561 and 563. (in persian)
6. Sistani, Seyed Ali (2015), **Al-Ijtihad, Imitation, and Caution: Commentary on Seyed Ali Sistani's research**, Qom: Bina.. (in persian)
7. Shabani, Qasem (1994), **constitutional law and Islam Republic of Iran's government structure**, Tehran: Etelaat Publication, First Edition.
8. Detailed report of the Review Council (1990), **Tehran, General Directorate of Cultural Affairs and Public Relations of the Parliament**, Vol.1. (in persian)
9. Taheri, Mohsen (2016), **The constitution of The Islamic Republic of Iran Explored and Explained**, Tehran: Jangal Publication, First Edition. (in persian)
10. Tabatabaei Motameni, Manouchehr (2001), **Constitutional Law**, Tehran: Mizan Publication, First Edition. (in persian)
11. Alem, Abdolrahman (2003), **Foundations of Political Science**, Tehran: Ney Publication, Tenth Edition. (in persian)
12. Gholami, Ali and Ali Bahadori Jahromi (2013), "Meaning, Nature and Supervision of the Implementation of General Policies of Government", **Quarterly Journal of Public Law Knowledge**, Year 2, No.1, pp. 55. (in persian)
13. Ghazi, Seyed Abolfazl (2003), **Constitutional law and Political Institutions**, Tehran: University of Tehran Press, Eighth Edition. (in persian)
14. ----- (2017), **Requirements of Constitutional Law**, Tehran: Mizan Publication, Fifty Eighth Edition. (in persian)
15. Lotfi, Asadollah (2010), **Constitutional law and the construction of the system of the Islamic Republic of Iran**, Tehran: Javdaneh Publication, First Edition. (in persian)

16. Madani, Seyed Jalalodin (1987), **Constitutional Law in Islamic Republic of Iran**, Tehran: Soroush Publication, First Edition, Vol.3. (in persian)
17. Mousavi Khomeini, Rouhollah (2018), **Velayat Faghih**, Qom: Editing and Publishing Works of Imam Khomeini Institute, Thirty Second Edition. (in persian)
18. Mousa Zadeh, Ebrahim (2008), "Some Reflection on the Concept, Nature, and Legal Status of General Policies of the Regime", **Islamic Law Journal**, Year 5, No.17, pp. 158 and 172. (in persian)
19. Momeni Rad, Ahmad and Meysam Behdadfar (2017), "The Study of the Obstacles, Grounds, and Strategies of Parliamentarism of the Islamic Republic of Iran", **The Quarterly Journal of The Secretariat of The Assembly of Experts for Leadership**, Year 22, No.2, pp. 163-164 and 177-178. (in persian)
20. Mehr Pour, Hossein (2008), **Concise Constitutional Law of Islamic Republic of Iran**, Tehran: Dadgostar Publication, First Edition. (in persian)
21. Hashemi, Seyed Mohammad (1991), "Comparative and Thematic Review of The Revision of The Constitution of The Islamic Republic of Iran", **Legal Research Quarterly**, Winter 1991, No.8, pp.161 and 171-172. (in persian)
22. Hashemi, Seyed Mohammad (2016), **Constitutional Law and Political Structures**, Tehran: Mizan Publication, Third Edition. (in persian)
23. Harisi Nezhad, Kamalodin (2008), **Comparative Constitutional Law**, Tabriz: Aydin Publication, First Edition. (in persian)

B) Rules

1. Constitution of Islamic Republic of Iran.
2. Constitution of France.
3. Constitution of The United States of America.

C) References from Khamenei.ir Website

1. Khamenei, Seyed Ali (April 06, 2002), Leader's Statements in a Meeting with The Expediency Discernment Council Members.
2. Khamenei, Seyed Ali (May 22, 2019), Leader's Statements in a Meeting with University Students.
3. Khamenei, Seyed Ali (October 12, 2011), Leader's Statements in a Meeting with People of Kermanshah.